



درس خارج اصول استاد حاج سید مجتبی نورمفیدی

تاریخ: ۱۶ آذر ۱۳۹۲

مصادف با: ۴ صفر ۱۴۳۵

جلسه: ۴۰

موضوع کلی: حقیقت شرعیه

موضوع جزئی: مقام اول: تنقیح محل نزاع

سال: پنجم

«الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی محمد وآله الطاهرین و اللعن علی اعدائهم اجمعین»

خلاصه جلسه گذشته:

بحث در حقیقت شرعیه بود، عرض کردیم در مسئله حقیقت شرعیه در چند مقام باید بحث کنیم، مقام اول تنقیح محل نزاع بود، ما ابتدائاً باید موضوع بحث را منقح کنیم که نزاع در باب حقیقت شرعیه در چیست و اختلاف منکرین و مثبتین حقیقت شرعیه در چه چیزی است؟ عرض کردیم در این رابطه سه جهت می تواند مورد نظر باشد، جهت اول اینکه این نزاع شامل اعیان خارجی و موضوعات خارجی نیست بلکه فقط موضوعات اعتباریه را شامل می شود، جهت دوم این بود که این نزاع هم در الفاظ عبادات جریان دارد و هم در الفاظ معاملات.

جهت سوم:

جهت سوم بحث این است که آیا نزاع در باب حقیقت شرعیه مختص معانی مستحدثه است یا شامل معانی غیر مستحدثه هم می شود، منظور از معانی مستحدثه اموری است که در شریعت اسلام حادث شده که قبلاً نبوده و چون یک پدیده و امر نو ظهور بوده اند باید ببینیم آیا شارع الفاظ خاصی را برای این امور و معانی مستحدثه در نظر گرفته یا نه؟

نظر مشهور:

مشهور نزاع در حقیقت شرعیه را مختص معانی مستحدثه می دانند و می گویند این نزاع که حقیقت شرعیه داریم یا نه فقط در مورد آن چیزهایی است که در شرع اسلام جدیداً پدید آمده و در ادیان گذشته سابقه ای نداشته، حال باید بحث کنیم آیا شارع الفاظ را در این معانی جدید به صورت حقیقی استعمال کرده یا به صورت مجازی و همراه با قرینه؟ به عبارت دیگر نزاع در خصوص معانی مستحدثه در این است که آیا شارع الفاظ خاصی را برای این معانی مستحدثه وضع کرده و خودش یک وضع جدیدی برای این معانی قرار داده و کاری به واضح لغت نداشته بلکه یک لفظ را انتخاب کرده و برای این معانی وضع کرده - اینکه این وضع به چه کیفیتی بوده بعداً مورد بحث قرار خواهد گرفت - که اگر این چنین باشد حقیقت شرعیه محقق شده است یا اینکه شارع لفظ خاصی را برای این معانی مستحدثه وضع نکرده بلکه همان الفاظی را که واضح قبلاً برای معنای خاصی وضع کرده بود مجازاً در این معانی جدید به واسطه قرینه استعمال کرده لذا وضعی از ناحیه شارع صورت نگرفته است.

پس طبق نظر مشهور نزاع در باب حقیقت شرعیه فقط معانی مستحدثه را شامل می شود که در شریعت اسلام جدیداً حادث شده و در ادیان سابق نبوده است و ما می خواهیم ببینیم آیا شارع وضع خاصی در رابطه با این معانی دارد تا حقیقت شرعیه باشند یا

اینکه همان الفاظی را که واضع لغت برای معنایی وضع کرده مجازاً و به واسطه قرینه در این معانی جدید استعمال کرده لذا وضعی از ناحیه شارع صورت نگرفته است؟ طبق نظر مشهور معانی غیر مستحدثه از دایره نزاع حقیقت شرعیه خارجند. معانی غیر مستحدثه آن معانی هستند که در ادیان و شرایع گذشته سابقه داشته نه اینکه آن معنی در شریعت اسلام پدید آمده باشد، حال اگر معنی، مستحدث نباشد مشهور می‌گویند در این صورت نزاع در اینکه شارع لفظی را برای این معنی وضع کند یا وضع نکند مفهومی ندارد؛ چون آن معنی در شرایع گذشته وجود داشته و شارع دلیلی ندارد لفظ خاصی را برای این معنی وضع کند تا ما بخواهیم بحث کنیم آیا شارع این کار را کرده یا نه؟ پس به نظر مشهور معانی غیر مستحدثه از دایره محل نزاع حقیقت شرعیه خارجند.

بررسی نظر مشهور:

به نظر می‌رسد سخن مشهور تمام نیست و دلیلی وجود ندارد که ما محل نزاع را مختص به معانی مستحدثه بدانیم. مشهور گفتند نمی‌توان این نزاع را در معانی غیر مستحدثه تصویر کرد ولی ما می‌گوییم تصویر این نزاع در معانی غیر مستحدثه هم ممکن است و ما می‌توانیم این نزاع را حتی در مورد معانی غیر مستحدثه هم تصویر کنیم.

تصویر نزاع در معانی مستحدثه روشن است، چون معنای مستحدث یک معنای جدید و یک عمل عبادی یا معامله خاصی است که قبلاً نبوده و ما می‌خواهیم ببینیم شارع لفظی را برای این معنای جدید قرار داده یا نه؟

اما در معانی غیر مستحدثه که از سابق وجود داشته تصویر نزاع به این شکل است که این معنی هر چند جدید نیست و قبلاً هم در ادیان و شرایع سابقه وجود داشته ولی چه بسا شارع بنا بر مصالحی بخواهد الفاظ دیگری را برای همین معنی قرار دهد، قبلاً لفظی بوده و در یک معنایی استعمال می‌شد ولی چه بسا شارع بخواهد این لفظ را در معنای دیگری قرار دهد مثل «صلاة» و «صوم» که قبل از شریعت اسلام هم بوده کما اینکه خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ»^۱، پس حقیقت «صوم» پدیده و معنای مستحدثی در شریعت اسلام نیست بلکه در ادیان قبلی هم بوده، «صلاة» هم این گونه است، یعنی نماز نه تنها در شریعت اسلام بلکه در غیر این شریعت و حتی در شرایع غیر الهی هم بوده کما اینکه خداوند متعال می‌فرماید: «وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنتُمْ تَكْفُرُونَ»^۲ پس «صلاة» به عنوان یک عبادت در ادیان سابق و حتی در شرایع غیر الهی هم بوده است. پس این مسئله که بعضی از حقایق مثل «صوم» و «صلاة» در شرایع و ادیان گذشته هم وجود داشته و مستحدث و جدید نیستند روشن است و قبلاً هم الفاظی برای این معانی بکار می‌رفته اما ممکن است شارع الفاظ دیگری را که قبلاً در یک معنای خاصی استعمال می‌شده و برای آن معنای وضع شده بودند در شریعت نبوی برای این معنای قرار دهد، یعنی معنی از قبل وجود داشته و لفظی هم دال بر آن معنی وجود داشته اما شریعت اسلام آن لفظ را عوض کرده لذا نزاع در حقیقت شرعیه معانی غیر مستحدثه را هم شامل می‌شود، یعنی

۱. بقره/۱۸۳. «ای افرادی که ایمان آورده‌اید! روزه بر شما نوشته شده، همان‌گونه که بر کسانی که قبل از شما بودند نوشته شد؛ تا پرهیزکار شوید.»

۲. انفال/۳۵. «(آنها که مدعی هستند ما هم نماز داریم)، نمازشان نزد خانه (خدا)، چیزی جز «سوت کشیدن» و «کف زدن» نبود؛ پس بجشید عذاب (الهی)

را بخاطر کفرتان!»

این نزاع را حتی در مورد معانی و مفاهیمی که در شرایع و ادیان گذشته هم سابقه داشته می‌توان تصویر کرد لکن تصویر آن با معانی مستحدثه متفاوت است، در معانی مستحدثه چون معنی جدید است نیاز به این بحث بیشتر محسوس است ولی در عین حال ضروری هم نیست، پس نسبت به معانی مستحدثه نزاع در این است که آیا شارع لفظ خاصی را برای معانی جدید و مستحدث وضع کرده یا اینکه همان الفاظی را که واضح لغت برای معنایی وضع کرده مجازاً و به واسطه قرینه در این معانی جدید استعمال کرده لذا وضعی از ناحیه شارع صورت نگرفته است؟ ولی در معانی غیر مستحدثه تصویر نزاع به شکل دیگری است و آن اینکه می‌گوییم درست است که حقیقت معانی و مفاهیمی مثل «صلاة» و «صوم» از قبل وجود داشته اما می‌توان نزاع را در مورد این معانی غیر مستحدثه هم تصویر کرد؛ به این بیان که بگوییم شارع بنا به اقتضائاتی صلاح دیده لفظ خاصی را برای این معنای غیر مستحدث وضع کند و یک وضع جدیدی داشته باشد یا اساساً یک لفظ دیگری را به کمک قرینه و مجازاً در این معنای غیر مستحدث استعمال کند، پس منعی از شمول نزاع نسبت به معانی غیر مستحدثه وجود ندارد. پس ادعای ما این است که نزاع در باب حقیقت شرعیه هم در معانی مستحدثه و هم در معانی غیر مستحدثه جریان دارد و در معانی غیر مستحدثه هم چه بسا شارع خواسته آن وضع قبلی را ملغی کند و آن علقه وضعیه سابق را از بین ببرد و یک علقه وضعیه جدیدی ایجاد کند.

نتیجه بحث در مقام اول:

پس در مقام اول بحث (تنقیح محل نزاع) عرض شد نزاع در باب حقیقت شرعیه از سه جهت مورد بررسی قرار می‌گیرد؛ جهت اول اینکه این نزاع، مختص به موضوعات اعتباری است و شامل اعیان خارجی نمی‌شود، جهت دوم اینکه این نزاع هم شامل الفاظ عبادات می‌شود و هم شامل الفاظ معاملات و جهت سوم اینکه این نزاع هم شامل معانی مستحدثه است و هم شامل معانی غیر مستحدثه (خلافاً للمشهور).

مقام دوم: ثمره نزاع

اینکه ما بحث کنیم شارع الفاظی را برای این معانی وضع کرده و آنها را به نحو حقیقت استعمال کرده یا اینکه شارع این الفاظ را برای این معانی وضع نکرده ولی به کمک قرینه آن الفاظ را در معانی مورد نظر خود یعنی در معانی شرعیه استعمال کرده چه ثمره‌ای دارد؟ به عبارت دیگر اینکه شارع الفاظ را برای معانی به نحو حقیقی استعمال کرده یا به نحو مجازی چه ثمره عملیه‌ای در پی دارد؟ اینکه شارع مثلاً لفظ «صلاة» را به نحو حقیقی استعمال کرده باشد یا به نحو مجاز چه تأثیری بر عمل مکلفی دارد که می‌خواهد نماز بخواند؟

در رابطه با ثمره نزاع در باب حقیقت شرعیه دو نظریه وجود دارد:

- یک نظریه این است که ثمره عملیه برای این نزاع متصور است.
- بعضی دیگر منکر چنین ثمره‌ای شده و گفته‌اند هیچ ثمره عملیه‌ای بر این نزاع مترتب نمی‌شود.

نظریه اول: محقق خراسانی

مرحوم آخوند از کسانی است که می‌فرماید: این نزاع (نزاع در باب حقیقت شرعیه) ثمره عملیه دارد، ایشان می‌گوید اگر ما با الفاظ عبادات و معاملات مواجه شویم که در کتاب و سنت وارد شده طبق پذیرش منبای حقیقت شرعیه این الفاظ را در مواردی

که نمی‌دانیم معنای شرعی از آنها اراده شده یا معنای لغوی بر معنای شرعی حمل می‌کنیم، اما اگر حقیقت شرعی را نپذیرفتیم این الفاظ را بر معنای لغوی خود حمل می‌کنیم و این ثمره‌ای است که بر این نزاع مترتب می‌شود؛ مثلاً ما با دلیل «صل عند رؤیة الهلال»؛ هنگام دیدن هلال ماه صلاۀ بگذار، مواجه شده‌ایم و نمی‌دانیم منظور از «صل» خواندن دو رکعت نماز است یا اینکه موقع دیدن ماه دعا بخوان، چون «صل» در معنای لغوی به معنای دعاست اما در معنای شرعی به معنای عبادت مخصوص متشکل از اذکار و افعال خاص است، اگر ما قائل به حقیقت شرعی باشیم و معتقد باشیم شارع در محیط شرع الفاظی را برای معانی شرعی وضع کرده و بدانیم این استعمال شارع متأخر از وضع شارع است در این صورت این لفظ را بر معنای شرعی حمل می‌کنیم، پس اگر زمان استعمال و صدور این روایت را بدانیم یعنی بدانیم شارع نخست لفظ «صلاة» را برای معنای شرعی وضع کرده و این استعمال که گفته «صل عند رؤیة الهلال» متأخر از وضع است و تأخر استعمال از وضع برای ما معلوم باشد، لفظ بر معنای شرعی خودش حمل می‌شود.

اما اگر زمان استعمال برای ما معلوم باشد و ما نتوانیم تأخر استعمال از وضع را احراز کنیم دو قول وجود دارد:

(۱) بعضی می‌گویند: لفظ بر معنای شرعی حمل می‌شود به خاطر اصالة تأخر الاستعمال عن الوضع.

(۲) بعضی دیگر می‌گویند: لفظ بر معنای لغوی خود حمل می‌شود به خاطر اصالة عدم النقل.

پس نزاع در باب حقیقت شرعی دارای ثمره عملیه است؛ به این بیان که طبق پذیرش قول به حقیقت شرعی و علم به تأخر استعمال از وضع ما الفاظ وارد شده در کتاب و سنت را بر معنای شرعی آنها حمل می‌کنیم ولی اگر قائل به ثبوت حقیقت شرعی نباشیم یا تاریخ استعمال برای ما مجهول باشد و تأخر استعمال برای ما احراز نشود عده‌ای قائل به حمل الفاظ بر معانی لغوی و عده‌ای هم قائل به حمل بر معانی شرعی هستند. لذا معلوم می‌شود نزاع در باب حقیقت شرعی ثمره عملیه دارد و عمل انسان‌ها هم مترتب بر فهم معانی شرعی و لغوی است که مثلاً منظور از «صل» معنای شرعی آن که عبادت مخصوص است می‌باشد یا معنای لغوی آن که دعاست.^۱

قول دیگری هم در این مسئله وجود دارد که متفاوت با نظر مرحوم آخوند است ولی طبق آن نظر هم بر این بحث ثمره مترتب می‌شود.

پس در مجموع اقوال در باب ترتب ثمره بر نزاع در حقیقت شرعی دو قول‌اند:

قول اول: بر نزاع در باب حقیقت شرعی ثمره عملیه مترتب می‌شود. البته خود قائلین به این قول در تبیین این ثمره اختلاف نظر دارند.

قول دوم: بر این نزاع ثمره عملیه مترتب نمی‌شود.

«والحمد لله رب العالمین»

۱. کفایة الاصول، ج ۱، ص ۳۹.